

## قوم یهود از برگزیدگی تا نژادپرستی

عبدالرحیم سلیمانی

### چکیده

در متون مقدس یهودی در باره برگزیدگی قوم یهود سخن به میان آمده است؛ قرآن کریم نیز این برگزیدگی را - دست‌کم در مقطع زمانی خاص - مورد تصدیق قرار داده است. برخی از یهودیان به نژادپرستی روی آورده، این اعتقاد خود را به متون مقدس یهودی مستند ساخته‌اند. آیا از برگزیدگی قوم می‌توان برداشتی نژادپرستانه کرد؟ در میان خود یهودیان دیدگاه‌های بسیار متنوعی در این باره ارائه شده است. این نوشتار به بررسی چگونگی طرح این موضوع در متون مقدس و دیدگاه‌های مختلف درباره آن و معنای واقعی برگزیدگی، پرداخته است.

از ادبیات مکتوب یهودیت برمی‌آید که در طول تاریخ این دین، همیشه گونه‌ای از این اندیشه وجود داشته است که قوم اسرائیل قوم برگزیده خدا است و از جهاتی بر دیگر اقوام و ملل برتری دارد. اعتقاد بر این بوده است که این اندیشه در اصلی‌ترین بخش متون مقدس یهودی، یعنی کتاب تورات ریشه دارد و در بخش‌های بعدی متون مقدس یهودی شرح و بسط یافته است.<sup>1</sup> دانشمندان یهودی در طول تاریخ نگرش‌های متفاوتی در باره این اندیشه داشته‌اند. برداشت برخی از آنان از این آموزه از نژادپرستی صرف و افراطی

سردرآورده، اما برداشت برخی دیگر معتدل‌تر است. آنان تلاش کرده‌اند بیانی خردپذیر از این اندیشه ارائه دهند. و باز دیگرانی اصل اندیشه را رد کرده‌اند. در این نوشتار برآنیم که ریشه‌های این اندیشه را در متون مقدس و نیز شرح و تفسیرها، و نگرش‌های مختلف نسبت به آن را به اختصار بررسی کنیم.

### الف) قوم برگزیده عهد قدیم

در کتاب تورات، که در سنت یهودی به شخص حضرت موسی منسوب است، فقراتی آمده است که جایگاه ویژه قوم اسرائیل را نشان می‌دهد. از این کتاب برمی‌آید که برنامه خدا این بوده که از نسل ابراهیم قومی به وجود آورد و به آن قوم جایگاهی ویژه دهد. اصل اعتقاد به برگزیدگی قوم اسرائیل به عهدی برمی‌گردد که بین خداوند و حضرت ابراهیم بسته شده است.<sup>۱</sup> در واقع، این امر وعده‌ای است که خدا در ازای اطاعت بی‌چون و چرای ابراهیم در ماجرای ذبح فرزندش به او داده است:

بار دیگر فرشته خداوند از آسمان ابراهیم را صدا زده، به او گفت: «خداوند می‌گوید به ذات خود قسم خورده‌ام که چون مرا ملاقات کردی و حتی یگانه پسر تو را از من دریغ نداشتی، تو را چنان برکت دهم که نسل تو مانند ستارگان آسمان و شن‌های دریا بی‌شمار گردند. آنها بر دشمنان خود پیروز شده، موجب برکت همه قوم‌های جهان خواهد گشت، زیرا تو مرا اطاعت کرده‌ای» (سفر پیدایش، ۲۲: ۱۵-۱۸).

در بخش‌های بعدی تورات و نیز دیگر قسمت‌های عهد قدیم بحث اصلی در راستای تحقق این وعده است. از نسل ابراهیم قومی شکل می‌گیرد که به نواذ او یعقوب (اسرائیل) منسوب است. این قوم در مصر تحت فشار و شکنجه و اسارت قرار می‌گیرد و خداوند حضرت موسی را برای نجات آن مأمور می‌کند. از این پس، سخن در باره این قوم و ماجراهای آن است. حضرت موسی به یاری خداوند، قوم را از اسارت مصر نجات می‌دهد و در بیابان به دستور خداوند، به آنان گوشزد می‌کند که آنان قوم خاص و برگزیده خدا هستند. در واقع، موسی عهد خداوند با ابراهیم را تجدید و یادآوری می‌کند:<sup>۲</sup>

خداوند از میان کوه خطاب به موسی فرمود: «دستورات مرا به بنی اسرائیل بده و به ایشان بگو: شما دیدید که من با مصری‌ها چه کردم و چطور مانند عقابی که

بچه‌هایش را روی بال‌ها می‌برد، شما را برداشته، پیش خود آوردم. حال اگر مطیع من باشید و عهد مرا نگه دارید، از میان همه اقوام، شما قوم خاص من خواهید بود. هر چند سراسر جهان مال من است، اما شما برای من ملتی مقدس خواهید بود و چون کاهنان مرا خدمت خواهید کرد (سفر خروج، ۱۹: ۳-۶).

و در جای دیگر آمده است:

قربانگاه‌های کافران را بشکنید، ستون‌هایی را که می‌پرستند خرد کنید و مجسمه‌های شرم‌آور را تکه‌تکه نموده، بت‌هایشان را بسوزانید؛ چون شما قوم مقدسی هستید که به خداوند، خدایتان اختصاص یافته‌اید. او از بین تمام مردم روی زمین شما را انتخاب کرده تا برگزیدگان او باشید. شما کوچک‌ترین قوم روی زمین بودید، پس او شما را به سبب این‌که قومی بزرگ‌تر از سایر قوم‌ها بودید، برگزید و محبت نکرد، بلکه به این دلیل که شما را دوست داشت و می‌خواست عهد خود را که با پدران‌تان بسته بود به‌جا آورد. به همین دلیل است که او شما را با چنین قدرت و معجزات عجیب و بزرگی از بردگی در مصر رها کند (سفر تثیبه، ۷: ۵-۸).

و در دیگر قسمت‌های عهد قدیم همین مضمون به صورت‌های مختلف تکرار شده است:

از میان تمام اقوام روی زمین، من تنها شما را انتخاب کرده‌ام (عاموس، ۳: ۲).

### ب) برداشت نژادپرستانه

در طول تاریخ یهودیت برداشت‌های متفاوتی از اندیشه قوم برگزیده صورت گرفته است. افراطی‌ترین برداشت از این اندیشه، برداشت صهیونیست‌های یهودی است. مطابق این برداشت، قوم اسرائیل برتر و بالاتر از اقوام دیگر و در واقع از جنس دیگری است. بنابراین در قوانین و مقررات اجتماعی و نیز حتی در برخوردهای اخلاقی بین یهودیان و غیریهودیان، تفاوت و تبعیض قائل است. مشکل این اندیشه، که جهان امروز به هیچ‌وجه آن را نمی‌پذیرد، از این جهت حادث‌تر گشته که در یک کشور و یک حکومت به صورت قانون رسمی درآمده است.

دکتر اسرائیل شاهاک، استاد دانشگاه عبرانی بیت‌المقدس و رئیس جامعه حقوق بشر اسرائیل، می‌گوید: فعالیت‌های سیاسی من در سال ۱۹۶۵-۱۹۶۶ با یک اعتراض آغاز گردید. من در اورشلیم به چشم خود دیدم که یک یهودی مذهبی افراطی، اجازه نداد که

در روز شنبه از تلفن او برای نجات همسایه غیریهودی او که در حمله‌ای مجروح شده بود، استفاده کنند، و آمبولانس خبر کنند. من به جای آن‌که این خبر را به روزنامه‌ها بدهم، از دادگاه حاخامی اورشلیم را برای گفت‌وگو خواستار شدم. از اعضای این دادگاه، که اعضای آن از حاخام‌های منصوب دولت اسرائیلند، پرسیدم که آیا این شیوه رفتار، با تفسیر آنان از مذهب یهود سازگار است؟ به من پاسخ دادند که یهودی مزبور رفتاری صحیح و حتی مؤمنانه داشته، و مرا به یکی از قوانین تلمود، که در قرن ماگردآوری شده است، ارجاع دادند. این ماجرا را به روزنامه عبری زبان هآرتص خبر دادم. خبر طنین‌انداز شد و جنجال و رسوایی رسانه‌ای به پا کرد که پیامدهای آن، تا آنجا که به من مربوط است، بیشتر منفی بود تا مثبت.

نه مقامات حاخامی اسرائیلی و نه مقامات دیاسپورا یهودیانی که در غیر کشور اسرائیل زندگی می‌کنند هیچ‌کدام در این حکم تجدیدنظر نکردند: یک یهودی نباید شنبه را به خاطر نجات جان یک «بیگانه» (غیریهودی) نقض نماید. از این رو با بهره‌گیری از معلوماتی که در جوانی به دست آورده بودم، به بررسی قوانین تلمود درباره روابط یهودیان و غیریهودیان پرداختم، و بر من آشکار شد که نه صهیونیسم و نه سیاست دولت اسرائیل از آغاز کار آن و نه رفتارهایی که حامیان اسرائیل در دیگر نقاط جهان در پیش گرفته‌اند، بدون در نظر گرفتن نفوذ عمیق این قوانین و جهان‌بینی‌ای که ایجاد و بیان می‌کنند، قابل درک نیستند. من نمی‌خواهم ادعا کنم که ملاحظات سیاسی یا استراتژیک بر رفتار رهبران اسرائیل تأثیر نداشته، بلکه می‌خواهم بگویم علاوه بر این امور، اعتقادات هم در این کار مؤثر بوده است. هر چه این تأثیرات، کمتر مورد بحث قرار گیرند و هر چه کمتر در معرض روشنایی قرار گیرند، مهم‌تر به نظر می‌آیند. هر شکلی از نژادپرستی، تبعیض و بیگانه‌ستیزی به هر اندازه که توسط جامعه‌ای که آلوده به آن است، بدیهی تلقی گردد، به لحاظ سیاسی تعیین‌کننده‌تر می‌شود. اگر بحث در این زمینه، آشکارا یا به صورت مخفی ممنوع گردد وضع بدتر خواهد شد. در این زمان، نژادپرستی، تبعیض و بیگانه‌ستیزی در میان یهودیان رواج یافته و برای آنها دلایل دینی اقامه می‌شود. این اعمال با حالت مقابلشان، یعنی یهودستیزی و انگیزه‌های دینی آن فرقی ندارند. اما در حالی که امروزه با دومی مبارزه می‌شود، وجود اولی را، در بیرون از اسرائیل - حتی بیش از درون آن - عمداً نادیده می‌گیرند.<sup>۱</sup>

به هر حال، این دانشمند یهودی اهل اسرائیل به مبارزات خود بر ضد نژادپرستی ادامه می دهد. او معتقد است که نژادپرستی، که امروزه در کشور اسرائیل و صهیونیست های دیگر نقاط جهان، اصلی مسلم است، با دیانت یهود ارتباطی ندارد و برداشتی انحرافی از این دین است. او در راه آرمان های بشر دوستانه خود بسیار کوشیده و کتاب هایی منتشر کرده است. او در برخی از کتاب هایش از جمله، کتابی به نام نژادپرستی دولت اسرائیل به تفصیل به ابعاد نژادپرستی این رژیم پرداخته است.

اما نژادپرستان با این استاد مبارزه کرده، او را طرد نمودند و حتی خارج از دین دانستند. در بخشی از یک اعلامیه که علیه او صادر شده، آمده است:

ما از دانشگاه می خواهیم این بی دین و پلید را اخراج کند. ما از همکاران شاهاک می خواهیم از او فاصله بگیرند. و تو ای شاهاک! تو در کشور ما چه می کنی؟ از اینجا بیرون برو و سمت را که «اسرائیل» است عوض کن و به جای آن «ننگ اسرائیل» را انتخاب نما.<sup>۱</sup>

همان طور که مشهور است و نیز از سخنان اسرائیل شاهاک برمی آید، صهیونیست های یهودی و طرفداران حکومت اسرائیل، قوم خود را نژادی برتر می دانند و برای آن امتیاز قائلند. آنان این برتری نژادی را به دین خود مستند می سازند. حال سؤال اساسی این است که آیا از متون مقدس یهودی چنین برداشتی می شود؟ متن مقدس اصلی یهودیان همه عهد قدیم را شامل می شود که مهم ترین بخش آن، اسفار پنج گانه تورات است. متن دیگری که در واقع از اعتبار درجه دوم برخوردار است، کتاب تلمود است. سنت یهودی قائل است که مجموعه عهد قدیم را انبیاء و بزرگان قوم اسرائیل در طی زمانی نزدیک به هزار سال، یعنی از حدود ۱۳۰۰ قبل از میلاد تا حدود چهار قرن قبل از میلاد، به وجود آورده اند. اما مجموعه عظیم تلمود توسط دانشمندان پرشماری از اواسط قرن دوم میلادی تا قرن ششم میلادی به رشته تحریر درآمده است. قبلاً گذشت که بنا به کتاب مقدس یهودی، یعنی عهد قدیم، قوم اسرائیل قوم برگزیده و خاص خدا است. آیا این برگزیدگی همان نژادپرستی است که به قول دکتر اسرائیل شاهاک امروزه مبنای قانون اسرائیل است؟ اگر این گونه نیست، پس نژادپرستی از کجا به وجود آمده است و اصولاً معنای برگزیدگی چیست؟

## ج) منشأ نژادپرستی

در بارهٔ اصل و منشأ نژادپرستی نظریه‌های مختلفی ارائه شده که برخی از آنها از این قرار است:

۱. نظریهٔ مدافعان نژادپرستی؛ بی‌تردید کسانی که بنی اسرائیل را قوم برتر می‌دانند نظریهٔ خود را به عهد قدیم و نیز کتاب تلمود مستند می‌سازند. گفته می‌شود در گذشته و از قرون وسطا این نظریه پیروانی داشته است و کسانی مانند ابن‌میمون این اعتقاد را داشته‌اند.<sup>۱</sup>

۲. نظریهٔ نقادان جدید؛ در عصر جدید و در دیدگاه مدرنیست‌ها، چه یهودی و چه غیریهودی، پذیرش این‌که قومی در درگاه خداوند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد و با دیگر اقوام و ملل تفاوت داشته باشد، بسیار مشکل است. آنان عموماً این اندیشه را به طور کامل رد کرده‌اند. اعتقاد عمومی این بوده که یهودیان انسان‌هایی در میان انسان‌های دیگر، و بنی اسرائیل قومی در میان دیگر اقوام است و دلیلی ندارد که با آنها متفاوت و متمایز باشد.<sup>۲</sup> شاعری در سرودهٔ معروف خود گفته است:

چه عجیب و شگفت‌انگیز است برای خدا که یهودیان را برگزیده باشد!<sup>۳</sup>  
نقادان جدید کتاب مقدس، عبارات دال بر برگزیدگی قوم را سخن واقعی خدا نمی‌دانند، بلکه آنها را به نسل‌های بعدی بنی اسرائیل منتسب می‌کنند که در مقابل واقعیات موجود، به اموری از قبیل برگزیدگی تمسک جسته‌اند.<sup>۴</sup>

یک اندیشهٔ مهم در این باره این است که زمان نگارش و یا تدوین نهایی همهٔ کتاب‌های مجموعهٔ عهد قدیم، دورهٔ پس از اسارت بابلی است. در این زمان، این قوم به اسارت رفته و انواع خفت و خواری را تحمل کرده و در واقع، آرمان‌های خود را در قالب تورات و دیگر بخش‌های تاریخی عهد قدیم بیان کرده است. به گفتهٔ برخی از نویسندگان جدید یهودی، قوم به اسارت رفته پس از بازگشت، کتاب تورات و دیگر کتاب‌های تاریخی را نگاشت و در این میان، دو امر را محور تاریخ خود قرار داد: یکی قومی که مقدس است و قوم خاص و برگزیدهٔ خداست و دیگری سرزمینی که مقدس است و خدا

۱. شاهاک، اسرائیل، تاریخ یهود، مذهب یهود، ص ۱۸۹-۱۹۰.

2. E.J, V.5, P. 501-502.

3. T.JR, P.77.

4. Ibid.

آن را به این قوم برگزیده بخشیده است. به همین سبب، کل تاریخ قوم، که در بخش تاریخی عهد قدیم منعکس شده، برگرد همین دو محور می چرخد. قوم اسرائیل برگزیده خدا است و خدا به او وعده عزت و عظمت داده است، اما این وعده در قالب یک عهد و پیمان است؛ اگر از خدا اطاعت کند او را عزیز می کند و سرزمین موعود را به او می دهد و اگر اطاعت نکند قوم به اسارت می رود و سرزمین را از دست می دهد. از آنجا که این داستان در زمانی نگاشته شده که قوم به سرزمین موعود بازگشته و آن را در اختیار گرفته، پس دو امر اهمیت اساسی دارد؛ یکی سرزمین که نماد مهم آن معبد اورشلیم است، و دیگری قوم مقدس خدا. اما در زمان نگارش تلمود وضعیت متفاوت بوده است. از اواسط قرن دوم میلادی، تدوین تلمود آغاز گشت، در حالی که حدود هفتاد سال قبل از آن، یعنی در سال ۷۰ میلادی، یهودیان کشور خود را از دست داده و پراکنده شده بودند. آخرین تلاش آنان برای بازپس گیری کشور و بازسازی معبد اورشلیم در سال های ۳۲ تا ۳۵ میلادی با شکست سختی مواجه شده بود. در واقع عالمان یهود که تلمود را می نگاشتند، نسبت به یکی از دو امری که در زمان نگارش تورات، یعنی حدود پنج قرن قبل از میلاد، تقدس یافته بود، مأیوس شده بودند و آن، کشور اسرائیل با نماد معبد سلیمان بود. بنابراین، بر تقدس امر مقدس دیگر، یعنی قوم، افزوده شد تا بدین وسیله بدبختی های قوم و آزار و فشارهایی که بر آن تحمیل می شد، قابل تحمل گردد. به همین سبب در تلمود، اندیشه قوم برتر بسیار جدی شده است.<sup>۱</sup>

بنابر این نظریه، منشأ اصلی اندیشه قوم برتر در واقع همان عهد قدیم است. اما این اندیشه در تلمود بسیار پررنگ تر و جدی تر شده است.

۳. نظریه منشأ تلمودی؛ بنابر این نظریه، منشأ نژادپرستی به تلمود و به ویژه تفسیری از آن، که در قرون وسطا توسط افرادی چون ابن میمون شده است برمی گردد. دکتر اسرائیل شاهاک را می توان طرفدار این نظریه شمرد. او در کتاب تاریخ یهود، مذهب یهود و کتاب نژادپرستی دولت اسرائیل تلاش می کند تا ضمن نشان دادن موارد متعددی از نژادپرستی، ثابت کند که این اندیشه در تلمود ریشه دارد. او قوانین متعددی را که به صورتی جدی و شدید تبعیض آمیزند و لازمه آنها تجویز ظلم و ستمی بی رحمانه به

غیریهودیان است برمی شمارد و منشأ آنها را در احکام هلاخایی<sup>۱</sup> تلمود نشان می دهد. برخی از نمونه هایی که ایشان ذکر کرده، به قرار زیر است:

قتل و کشتار؛ در قوانین دولت اسرائیل، که بر قوانین تلمودی و بیان ابن میمون از آن استوار است، حکم قتل یک یهودی با حکم قتل یک غیریهودی متفاوت است. اگر کسی یک یهودی را به قتل برساند، گناه بزرگی را انجام داده، باید مجازات شود. اگر یک یهودی به طور غیرمستقیم باعث قتل یهودی دیگری شود مجازات دنیوی ندارد و فقط نزد خدا گناهکار است. اما اگر مقتول غیریهودی باشد، اگر یک یهودی به طور مستقیم او را کشته باشد تنها نزد خدا گناهکار است و مجازات دنیوی ندارد و اگر به طور غیرمستقیم او را بکشد، حتی گناهی هم مرتکب نشده است. برای مثال، اگر یک غیریهودی در گودالی افتاده باشد، فرد یهودی می تواند نردبان او را بردارد. اگر یک قاتل غیریهودی باشد باید اعدام شود؛ چه مقتول یهودی باشد و چه غیریهودی، اما اگر مقتول غیریهودی باشد و قاتل به یهودیت بگروید اعدام نمی شود.

نجات جان؛ نجات جان یک یهودی از مهم ترین وظایف شرعی است، اما نجات جان یک غیریهودی ممنوع است. قاعده کلی تلمود این است که «غیریهودیان نه از چاه بیرون آورده می شوند و نه به داخل آن هل داده می شوند». ابن میمون می گوید: ما نباید موجب مرگ کسانی شویم که با آنان در جنگ نیستیم، اما اگر آنان در معرض جنگ قرار داشته باشند نجاتشان ممنوع است. یک پزشک یهودی حق ندارد یک غیریهودی را مداوا کند و اگر مجبور به چنین کاری باشد، حتماً در ازای کار خود مزد دریافت کند.

جرایم جنسی؛ ارتکاب زنا در یهودیت حرام است، اما بنابه تعالیم تلمودی، فرق است بین زنا با یک مرد یهودی با یک زن یهودی، و زنا با یک زن غیریهودی. بنابه این کتاب، غیریهودیان همه بدکاره اند و حتی تجاوز به عنف یک مرد یهودی به یک زن غیریهودی شوهردار نیز حکم زنا را ندارد و مجازاتی در پی ندارد و حتی در بسیاری از موارد، زن غیریهودی مجازات می شود.

تبعیض در مسائل مالی؛ هدیه دادن به غیریهودی جایز نیست. گرفتن بهره پول از یهودی حرام است، اما از غیریهودی واجب است. اگر یک یهودی مالی پیدا کند و

۱. هلاخا بخشی از تلمود است که به احکام شرعی یهود می پردازد. بخش دیگر، اکادا است که در بردارنده حکایت ها و داستان ها است.



احتمال دهد که صاحب آن یک یهودی است، باید برای یافتن صاحب آن تلاش کند، اما اگر صاحب آن، غیریهودی باشد می تواند آن را تصاحب کند. فریب دادن یک یهودی در معامله، گناه کبیره است، اما در مورد غیریهودیان شرکت غیرمستقیم در چنین معامله ای روا است. کلاهبرداری از یهودیان ممنوع است، اما این اصطلاح در مورد غیریهودیان کاربرد ندارد. حتی سرقت که مطلقاً حرام است، در شرایطی نسبت به اموال غیریهودیان جایز است.<sup>۱</sup>

اما نویسنده ای دیگر به صورت دیگری به تلمود نگاه می کند. او این را می پذیرد که توجه به قومیت و نیز ترویج و تبلیغ این که خدا توجهی ویژه به قوم دارد و آنان نزد خدا موقعیتی خاص و ممتاز دارند، دارویی برای تسکین آلام و دردهای قوم بوده است؛ اما تلاش می کند در تلمود و سخنان دانشمندان یهود، بیانی معقول را از برگزیدگی قوم ارائه کند. او علت برگزیدگی قوم را، بنا به تلمود، این می داند که اقوام دیگر زیر بار پذیرش تورات نرفتند و قوم اسرائیل آن را پذیرفت. این نویسنده موارد متعددی را نقل می کند که در تلمود، یهودیان را مانند غیریهودیان دانسته اند و حتی گفته شده که اگر یک غیریهودی دستورات خدا را انجام دهد، از کاهن اعظم یهود بالاتر است:

از کجا بدانیم که حتی اگر یک غیریهودی فرمان های تورات را به جا آورد، او با کاهن اعظم برابر خواهد بود؟ از کلمات این آیه: «هر آدمی که آنها را به جا آورد، به واسطه آنها زیست خواهد کرد». گفته نشده است که هر کاهن یا هر لایوی یا هر اسرائیلی، بلکه «هر آدمی». همین طور گفته شده است: «و این است قانون آدمیان، ای خداوند خدا» (کتاب دوم سموئیل، ۱۹:۷). گفته نشده است: «و این است قانون کاهنان یا لایویان یا اسرائیلیان، بلکه و این است قانون آدمیان». همین طور گفته شده است: این دروازه خداوند است که کاهنان یا لایویان یا اسرائیلیان به درون آیند، بلکه گفته شده است: «دروازه ها را بگشایید تا ملت عادل که امانت را نگاه می دارند به درون آیند» (اشعیا، ۲:۲۶). همین طور گفته شده است: این دروازه خداوند است که کاهنان یا لایویان یا اسرائیلیان از آن داخل خواهند شد. بلکه گفته شده است: «این دروازه خداوند است که عادلان و نیکوکاران از آن داخل خواهند شد». (مزامیر داوود، ۱۱۸، ۲۰). به همین گونه گفته شده است: ای کاهنان یا لایویان یا اسرائیلیان، با خداوند شادی نمایید، بلکه

گفته شده است: «ای عادلان و نیکوکاران، با خداوند شادی نمایید» (مزمیر داوود، ۱:۳۳). گفته نشده است: ای خداوند به کاهنان یا لاویان یا اسرائیلیان خوبی بکن، بلکه گفته شده است: «ای خداوند، به خوبان و پاکدلان خوبی بکن» (مزمیر داوود، ۴:۱۲۵). از مطالب فوق چنین استنباط می‌کنیم که حتی اگر یک غیریهودی فرمان‌های تورات را به جا آورد، او با کاهن اعظم برابر خواهد بود» (سیفرا مربوط به آیه ۵ از باب ۱۸ از سفر لاویان؛ یلقوط شیمعونی مربوط به آیه فوق، بند ۵۹۱).<sup>۱</sup>

بحث تبعیض بین یهودیان و غیریهودیان در رعایت اصول اخلاقی نیز مطرح شده است. در تلمود آمده است که دانشمند برجسته یهود، رَبی عقیوا می‌گفت که اصل اساسی تورات جمله‌ای است که در شماره هجدهم از باب نوزدهم از سفر لاویان آمده است: «همنوع را مانند خودت دوست بدار».<sup>۲</sup> اما آیا هم‌نوع شامل غیریهودیان هم می‌شود؟ به گفته نویسنده فوق، در تلمود به کرات به این نکته اشاره شده است که مقصود از «هم‌نوع» یهودیان است، نه غیریهودیان. و تعداد مواردی که به برخورد اخلاقی با غیریهودیان پرداخته بسیار اندک است. با این حال اگر نگاهی کلی و بی‌طرفانه به سراسر تلمود بیاندازیم، درمی‌یابیم که اخلاقی که دانشمندان یهود توصیه کرده‌اند، همگانی است و ویژه قوم خودشان نیست. در بسیاری از موارد، کلمه «مخلوقات» به کار رفته که ویژه قوم نیست. برای مثال، جمله «مخلوقات را دوست بدار» اندرز محبوب هیلل، دانشمند بزرگ تلمودی بود. و حتی آمده است که «دزدیدن مال یک غیریهودی عملی شنیع‌تر است تا دزدی از یک یهودی، زیرا سرقت مال یک غیریهودی شامل گناه عظیم بی‌حرمتی به نام خدا نیز می‌شود». و نیز در تفسیر آیه چهارم از باب بیست و سوم از سفر خروج که می‌گوید: «اگر گاو یا الاغ دشمنت را یافتی که گم شده و سرگردان است، البته آن را به او بازگردان» آمده است که «مقصود از دشمن، یک غیریهودی بت‌پرست است، چرا که بت‌پرستان در همه جا دشمن یهودیان به شمار آمده‌اند».<sup>۳</sup>

نویسنده فوق می‌پذیرد که در موارد متعددی در تلمود از عبارتهایی تند و خشن بر ضد غیریهودیان استفاده شده است، اما چنین توجیه می‌کند که فشارها و شکنجه‌های شدیدی که بر قوم اعمال می‌شده باعث شده که آنان چنین تعبیرهایی را به زبان آورند.<sup>۴</sup>

۱. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۸۲-۸۳.

۲. همان، ص ۲۳۲.

۳. رک: همان، ص ۲۳۲-۲۳۳.

۴. رک: همان، ص ۲۳۳.

برای نمونه عبارت تند و زنده‌ای که می‌گوید: «بهترین بت پرستان را بکش، و سرِ بهترین مارها را بکوب و له کن» که در تلمود آمده، از ربی شمعون بن یوحنای است که در دوره وحشتناک هادریان، امپراتور سفاک روم، می‌زیست و از بیم جان، مدت سیزده سال همراه با فرزندش در غاری پنهان شده بود. پس سخنان او بیانگر احساسات شخصی او بوده است، اما از این نمونه‌ها نمی‌توان برداشتی کلی دربارهٔ اخلاقیات تلمود کرد.<sup>۱</sup>

بنا به آنچه گذشت، عهد قدیم قوم اسرائیل را قوم برگزیدهٔ خدا می‌داند و از سوی دیگر، در تاریخ یهودیت گاهی از برگزیدگی قوم، برتری قوم اسرائیل نسبت به سایر اقوام برداشت شده است و حتی در کشور اسرائیل قوانینی وضع و اجرا شده که حاکی از تبعیض نژادی است. اما همان‌طور که گذشت، افراد زیادی از میان یهودیان، اندیشهٔ قوم برتر و تبعیض نژادی را رد می‌کنند. آیا منشأ این اندیشه عهد قدیم است؟ همان‌طور که گذشت برخی از نقادان جدید معترفند که مجموعهٔ عهد قدیم در دورهٔ پس از اسارت بابلی و تحت تأثیر وضعیت اسفبار قوم نگاشته شده و به این دلیل است که در آن، به قوم توجهی ویژه شده است.

در اینجا با این بحث کاری نداریم که مجموعهٔ عهد قدیم در چه دوره‌ای تدوین شده است؛ هر چند آنچه نقادان جدید در این باره گفته‌اند شایان توجه ویژه است. نکته‌ای که بیشتر اهمیت دارد، این است که آیا برگزیدگی قوم، که در عهد قدیم مطرح شده، مطلبی ناپذیرفتنی است؟ آیا این برگزیدگی به معنای برتری قوم اسرائیل از همهٔ اقوام جهان است؟ پس نخست باید معنای برگزیدگی قوم در عهد قدیم را بررسی کنیم. در بخش بعدی این نوشتار به این موضوع خواهیم پرداخت.

اما نکتهٔ دیگر در بارهٔ تلمود است؛ قبلاً دو رویکرد از دو نویسندهٔ یهودی در این موضوع نقل شد. دکتر اسرائیل شاهاک مجموعهٔ تلمود را دربردارندهٔ مطالبی نژادپرستانه می‌داند و منشأ قوانین نژادپرستانهٔ دولت اسرائیل را همین مجموعه می‌داند. از سوی دیگر دکتر ا. کُهن ضمن پذیرش این که فقرات متعددی در مجموعهٔ تلمود یافت می‌شود که حاوی مطالبی نژادپرستانه‌اند، این موارد را چنین توجیه می‌کند: گویا نویسندگان در وضعیتی غیرعادی و تحت فشار سخت چنین سخنانی را گفته‌اند. او همچنین شواهد متعددی را از این مجموعه نقل می‌کند که بر یکسانی بنی اسرائیل با دیگر اقوام دلالت

دارد. نکته مهم در سخن این دو نویسنده این است که هر دو، هر گونه نژادپرستی را، حتی اگر ظاهر عبارت تلمود باشد، رد می‌کنند، اما در یک امر اختلاف دارند؛ اگر برخی از دانشمندان یهودی قرون وسطا، مانند ابن میمون، و نیز قانونگذاران دولت اسرائیل در زمان حاضر تفسیری نژادپرستانه از مطالب تلمود کرده‌اند، بنابه نظر شاهاک، کار خطایی نکرده‌اند، اما به نظر دکتر گهن مرتکب خطا شده‌اند.

اگر بخواهیم بین این دو نویسنده یهودی داوری کنیم، به نظر می‌رسد که باید حق را به دکتر گهن بدهیم. اگر در یک مجموعه گسترده، دو دیدگاه متفاوت و ضد و نقیض مطرح شده باشد، به راحتی نمی‌توان یک طرف را گرفت و از طرف دیگر چشم‌پوشی کرد، بلکه باید به گونه‌ای همه اطراف را جمع کرد. و البته اگر درباره موضوعی دو دیدگاه مطرح شده باشد و ظاهر یک دیدگاه با عقل، منطق و عدالت ناسازگار باشد، قطعاً باید طرف دیگر را گرفت و از طرف دیگر چشم‌پوشی کرد و یا آن را توجیه نمود. برای مثال، شاید مواردی که دانشمندان یهود سخنان تندی بر ضد غیریهودیان یا بت‌پرستان به زبان آورده‌اند، در اوضاع و احوالی خاص بوده و اشاره به افرادی خاص داشته باشد. برای نمونه وقتی گفته شده «بهترین بت‌پرستان را بکش» شاید مقصود از بت‌پرستان، افرادی خاص بوده است، نه این که حکمی برای همه زمان‌ها و همه مکان‌ها بوده باشد. به هر حال در چنین مواردی تفسیری یک‌سویه از یک مجموعه عظیم، و برداشتی خلاف عقل و منطق و عدالت یک انحراف محسوب می‌شود.

این امر مسلم و واضح است که تفسیر از یک یا چند گزاره که در یک متن دینی آمده نباید به گونه‌ای باشد که با اصول مسلم و قطعی آن دین ناسازگار باشد. اگر قوم اسرائیل از چنان جایگاهی برخوردار است که باید همه چیز، حتی اصول مسلم اخلاقی، فدای آن شود، پس در واقع قوم جای خدا را گرفته است و این با نخستین و مهم‌ترین اصل تورات که در دو فرمان نخست «ده فرمان» بر آن تأکید شده، ناسازگاری دارد:

من خداوند، خدای تو هستم، همان خدایی که تو را از اسارت و بندگی مصر آزاد کرد. تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد. هیچ‌گونه بتی به شکل حیوان یا پرنده یا ماهی برای خود درست نکن. در برابر آنها زانو نزن و آنها را پرستش نکن (سفر خروج، ۲۰: ۲-۴).

و اگر کسی قوم را به جای خدا قرار دهد از دین خارج شده و مرتد گشته است و این نکته‌ای است که اسرائیل شاهاک را نگران کرده است:

در پایان روی سختم با خوانندگانی است که مثل من یهودی هستند. من بی‌نهایت ناراحت هستم وقتی می‌بینم که قسمت اعظم ملت یهود در یک حالت ترک مسلک و ارتداد به سر می‌برد و به جای پرستش خدا و تحقق بخشیدن به روح عدالت، و به جای در نظر گرفتن کلمات: «چیزی را که خود از آن نفرت داری بر دیگران روا مدار» این اکثریت، نه تنها برعکس آن رفتار می‌کنند، بلکه در وحشی‌ترین نظام قبیله‌ای و پرستش قدرت، پناهگاهی را می‌جویند، اما نمی‌دانند که بر سر شاخه نشسته و بُن می‌بُرند...

من آنچه بخواهم می‌کنم، چون می‌دانم که وظیفه‌ام گفتن حقیقت است و در راه عدالتی که بر همه جهان حکمفرما باشد مبارزه می‌کنم. اما ظاهراً به نظر اکثریت برادران یهودی‌ام که به جای خدا، دولت مادی اسرائیل را پرستش می‌کنند، همانطور که اجداد ما گاو طلائی... را می‌پرستیدند، این ملاحظه مسئله چندان مهمی نیست، لذا به آنها خواهم گفت: «به خاطر ریا و انکار دوگانه شما و به خاطر روش حمایت از نژادپرستی و ستم، به زودی بدبختی دیگری دامنگیر شما خواهد شد.»<sup>۱</sup>

دکتر شاهاک معتقد است که نژادپرستی با دیانت یهود ناسازگار است و باید یکی را اختیار کرد: نژادپرستی و حمایت از اعمال نژادپرستانه دولت اسرائیل، یا دیانت یهودی. او می‌گوید من دومی را برگزیده‌ام:

من با این عقیده که یهودیان باید وقف دولت یهود شوند، مخالفم. من نشان خواهم داد که این ایثارها، تقدس و زهد غیراخلاقی و در عین حال مخالف با اصول جاری سنت‌های یهودی است... من یک یهودی هستم و در اسرائیل زندگی می‌کنم. من به عنوان یک تبعه اسرائیل به قوانین این کشور احترام می‌گذارم. با این‌که بیش از چهل سال دارم هر سال خدمت موقتی را در ارتش انجام می‌دهم، اما خودم را وقف و نثار دولت یهود یا هر دولت و سازمان دیگری نمی‌کنم! من به آرمان‌هایم پایبند هستم. من معتقدم که باید حقیقت را گفت و آنچه را لازم است، انجام داد تا عدالت و برابری برای همه فراهم گردد. من به زبان و شعر عبرانی علاقمند هستم و خوشحالم که برای بسیاری از ارزش‌های پیامبران قدیمی‌مان احترام می‌گذارم.

اما آیا می‌توان آیینی را وقف یک دولت نمود؟ من گمان می‌کنم اگر از عاموس

نبی یا اِشعیای نبی خواسته می شد که خود را وقف دولت «اسرائیل» یا «یهودا»<sup>۱</sup> نمایند، می خندیدند. عاموس نبی می گوید: «از بدی منجزر باشید و خوبی را دوست داشته باشید و عدالت را برپا دارید» (عاموس، ۴: ۱۷)... هر یهودی که ایمان دارد سه بار در روز به زبان می آورد که یک نفر یهودی باید وقف راه خدا، فقط راه او، باشد: «شما [بنی اسرائیل] باید یهوه خدایتان را با تمامی دل و جان و توان خود دوست داشته باشید» (سفر تثنیه، ۶: ۵). اقلیت کوچکی از یهودیان هستند که هنوز هم به خدای خود ایمان دارند، اما به نظر می رسد که اکثریت ملت یهودی خدایش را گم کرده و بت را جانشین آن نموده است؛ درست مانند زمان موسی که گوساله پرستی می کردند... اولین علامت این بت پرستی - که علامت هر نوع بت پرستی هم هست - این است که برای دستیابی به منافع خود حاضرند به هر نوع بی انصافی و بی عدالتی تن دهند.<sup>۲</sup>

#### (د) معنای برگزیدگی قوم

قبلاً گذشت که فقرات متعددی از تورات و دیگر قسمت های عهد قدیم بر این نکته دلالت دارد که قوم اسرائیل قوم برگزیده خدا است. همچنین بیان شد که برداشت نژادپرستانه از این فقرات یک انحراف از اصل دین و کتاب است. اما جای این بحث خالی است که اگر برگزیدگی به معنای برتری یک قوم نسبت به دیگر اقوام نیست، پس چه معنایی دارد؟ دانشمندان یهودی در قرون وسطا درباره معنای برگزیدگی دو نظریه کاملاً متفاوت ارائه کرده اند. بر اساس یک نظریه، افراد قوم اسرائیل به لحاظ روحی، متفاوت از دیگر انسان ها و برتر از آنان خلق شده اند. یهودا هالوی، که برجسته ترین طرفدار این نظریه است، مدعی است که ساختار روحی یهودیان به طور کلی با دیگران تفاوت دارد. هر فرد یهودی قدرت نبوت را به ارث برده است و این امر او را قادر می سازد تا از فکر و اراده خدا آگاه شود. دیگران، حتی اگر به آیین یهود درآیند، این قدرت را به دست نمی آورند.<sup>۳</sup> این قدرت خاص نخست به آدم و سپس به سلسله ای از برگزیدگان و سرانجام به همه قوم اسرائیل عطا شده است. به واسطه این تأثیر و عمل الهی است که قوم اسرائیل

۱. سرزمین بنی اسرائیل پس از حضرت سلیمان به دو بخش تجزیه شد و دو کشور «اسرائیل» در شمال و «یهودا» در جنوب تشکیل گردید.

۲. همان، ص ۷۰-۷۲؛ همچنین رژه گارودی، تاریخ یک ارتداد، ترجمه مجید شریف، ص ۲۱۰-۲۱۱.

می‌تواند به صورتی ویژه با خدا ارتباط برقرار کند. پس برگزیدگی قوم به معنای وابستگی به یک مشیت فوق طبیعی الهی است؛ این در حالی است که سایر مردم در معرض قوانین طبیعی هستند.<sup>۱</sup>

این اندیشه حتی در متون عرفانی قرون وسطایی یهود دیده می‌شود. در متون قبالیایی، به ویژه کتاب معروف زوهر تفاوت جوهری یهودیان با غیریهودیان مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس این متون، روح غیریهودیان متعلق به جهان زیرین است که جایگاه شیاطین است، در حالی که روح فرد یهودی دست‌کم قابلیت رسیدن به ساحت امور الهی را دارد. گاهی این عارفان اندیشه برگزیدگی را با مسئله گناه نخستین پیوند داده‌اند. آنها با استناد به یک سنت تلمودی، می‌گویند که حوّا به وسیله مار شیطان آبتن شد و در نتیجه، فرزندان او معیوب شدند، تا این‌که تجلی خداوند در سینا آن عیب را از بنی اسرائیل برطرف کرد، اما دیگران نیمه شیطان و نیمه انسان باقی ماندند.<sup>۲</sup>

اما این بیان با یک مشکل جدی روبرو است و آن این‌که، همان‌طور که گذشت، بر اساس تلمود، نوکیشان یهودی با دیگر یهودیان هیچ تفاوتی ندارند. در این صورت، چگونه تغییر کیش آنان می‌تواند سرشت و ذات آنان را عوض کند؟ کتاب زوهر این مشکل را این‌گونه حل می‌کند که نوکیشان در هنگام تغییر کیش، روحی جدید را از جانب آسمان دریافت می‌کنند، هر چند این روح از روح یهودیان اصلی پست‌تر است. دیگر عالمان قبالیایی می‌گویند نوکیشان در واقع قبلاً روحی یهودی داشته‌اند و در اثر فشار دیگران تغییر کیش داده‌اند و اکنون به کیش اصلی خود بازمی‌گردند. در واقع، همان روح پنهان است که دوباره او را به یهودیت بازمی‌گرداند.<sup>۳</sup>

اما دانشمندان بزرگی مانند موسی بن میمون و سعدیا بن یوسف این برداشت از برگزیدگی را قبول نداشته‌اند. ابن میمون می‌گوید پیام کتاب مقدس، جهانی است و به قوم اسرائیل اختصاص ندارد. برگزیدگی قوم به معنای برتری یا تقدس ذاتی نیست. فقراتی از کتاب مقدس که به این امر پرداخته‌اند، تنها بر یک گزینش مشروط دلالت دارند، نه بیش از آن. قوم اسرائیل برای تکلیف و وظیفه‌ای خاص برگزیده شده است، و این هرگز بدان معنا نیست که این قوم دارای حقوقی خاص یا ویژگی‌هایی خاص است. برتری و تقدس

1 . EJ, V.5, P.501.

2 . Jews, P.228.

3 . Ibid.

به قوم اسرائیل تاریخی و افراد خارجی تعلق ندارد، بلکه به یک اسرائیل اسطوره‌ای، که به عنوان یک مدل و آرمان در نظر گرفته می‌شود، تعلق دارد. این برگزیدگی با اطاعت از دستورهای خداوند و رعایت شریعت تحقق می‌یابد، درحالی‌که سرپیچی از دستورهای خدا خفت و ذلت را در پی دارد.<sup>۱</sup>

سعدیا بن یوسف نیز با برتری ذاتی و ماهوی قوم اسرائیل مخالف است. او می‌گوید برگزیدگی قوم از این جهت است که تورات به طور کامل به آنان داده شده است. به اقوام دیگر هم توراتی داده شده است، اما تورات کامل به قوم اسرائیل داده شده است.<sup>۲</sup> اگر بخواهیم به عنوان فردی بی طرف به مجموعه عهد قدیم نظر بیندازیم و بین این دو دسته از دانشمندان یهودی داوری کنیم، به نظر می‌رسد که حق را باید به دسته دوم از این دانشمندان بدهیم. در این باره باید به نکاتی چند توجه کرد:

۱. به گفته کتاب مقدس، توجه خاص خداوند به یک قوم به ماجرای حضرت ابراهیم و اطاعت بی چون و چرای او در ماجرای ذبح فرزند برمی‌گردد. در واقع، پس از این اطاعت محض خداوند به عنوان پاداش، به او وعده می‌دهد که به فرزندان او موقعیت و جایگاهی ویژه دهد: «به ذات خود قسم خورده‌ام که چون مرا اطاعت کردی و حتی یگانه پست را از من دریغ نداشتی، تو را چنان برکت دهم که نسل تو... بی‌شمار گردند. آنها... موجب برکت همه قوم‌های جهان خواهند گشت، زیرا تو مرا اطاعت کرده‌ای» (سفر پیدایش، ۲۳:۱۶-۱۸). بر طبق این وعده، فرزندان حضرت ابراهیم در دستگاه خداوند جایگاهی ویژه خواهند داشت و در واقع آنان برگزیده شده‌اند. اما این جایگاه ویژه چیست و برگزیدگی آنان به چه معنا است؟

۲. از کتاب مقدس برمی‌آید که این وعده هنگامی به تحقق نزدیک شد که قومی به نام اسرائیل پدید آمد. خداوند پیامبری به نام موسی (ع) را برای نجات آنان فرستاد و به او دستور داد که این برگزیده شدن را به قوم اسرائیل گوشزد کند: «اگر مطیع من باشید و عهد مرا ننگه دارید، از میان همه اقوام، شما قوم خاص من خواهید بود» (سفر خروج، ۱۹:۵). پس این قوم خاص و برگزیده بودن، مشروط است. آنان تا زمانی قوم خاص خدا هستند که مطیع خدا باشند و عهد او را، که عمل به شریعت او است، رعایت کنند. از این فقره به خوبی برمی‌آید که خداوند می‌خواهد جایگاهی ویژه ویا مأموریتی خاص را به این قوم



بدهد که شرط آن اطاعت از خدا است. پس این برگزیدگی مشروط است، نه مطلق.<sup>۱</sup>  
 ۳. اما خدا آنان را برای چه برگزیده است؟ خود کتاب این امر را روشن کرده است:  
 «هر چند سراسر جهان مال من است، اما شما برای من ملتی مقدس خواهید بود و چون  
 کاهنان مرا خدمت خواهید کرد» (سفر خروج، ۱۹: ۳-۶). پس در جهانی که همه‌اش از آن  
 خدا است، قومی برای خدمتگزاری برگزیده شده است. و البته این جایگاهی مهم است.  
 آنان قوم خاص خدا و خدمتگزار مخصوص اویند. آنان باید با کفر و شرک و بت پرستی  
 مبارزه کنند و دین خدا را در زمین پیاده کنند.<sup>۲</sup>

۴. پس برگزیدگی برای آن است که آنان باری سنگین را به دوش بگیرند. پاداش این  
 عمل عزت و سربلندی در دنیا و سعادت اخروی است. آنان برگزیده شده‌اند و خود  
 پذیرفته‌اند که این مأموریت سنگین را انجام دهند و - همانطور که گذشت - کسی می‌تواند  
 این مأموریت را انجام دهد که مطیع پروردگار باشد. اما اگر آنان این شرط را رعایت نکنند  
 نه تنها قوم خاص خدا نیستند و نه تنها عزت و سربلندی ندارند، بلکه از همه قوم‌های  
 جهان پست‌تر خواهند بود:

«ولی اگر به من گوش ندهید و مرا اطاعت نکنید و قوانین مرا رد کنید و عهدهی را  
 که با شما بسته‌ام بشکنید، آنگاه من شما را تنبیه خواهم کرد و ترس و امراض  
 مهلک و تبی که چشم‌هایتان را کور کند و عمرتان را تلف نماید بر شما خواهم  
 فرستاد. بذر خود را بیهوده خواهید کاشت، زیرا دشمنان حاصل آن را خواهند  
 خورد. من بر ضد شما برخوام خاست و شما در برابر دشمنان خود پا به فرار  
 خواهید گذاشت. کسانی که از شما نفرت دارند بر شما حکومت خواهند کرد.  
 حتی از سایه خود خواهید ترسید» (سفر لاویان، ۲۹: ۱۴-۱۷).

این نکته‌ای است که در سراسر عهد قدیم بارها تکرار شده است. این عهد و پیمان  
 بارها به قوم گوشزد شده است. آنان هرگاه به عهد خود وفادار نماندند، مجازات شدند.  
 این نکته را خداوند به روشنی از زبان ارمیای نبی قبل از اسارت بابلی بیان می‌کند:

سپس خداوند فرمود: «در شهرهای یهودا و در کوچه‌های اورشلیم پیام مرا اعلام  
 کن! به مردم بگو که به مفاد عهد من توجه کنند و آن را انجام دهند. زیرا از وقتی  
 اجدادشان را از مصر بیرون آوردم تا به امروز، بارها به تأکید از ایشان خواسته‌ام

که مرا اطاعت کنند! ولی ایشان اطاعت نکردند و توجهی به دستورات من ننمودند، بلکه به دنبال امیال و خواسته‌های سرکش و ناپاک خود رفتند. ایشان با این کار عهد مرا زیر پا گذاشتند، بنابراین تمام تنبیهاتی را که در آن عهد ذکر شده بود، در حقشان اجرا کردم». خداوند به من فرمود: «اهالی یهودا و اورشلیم علیه من طغیان کرده‌اند. آنها به گناهان پدرانشان بازگشته‌اند و از اطاعت من سر باز می‌زنند؛ ایشان به سوی بت‌پرستی رفته‌اند. هم اهالی یهودا و هم اسرائیل عهدی را که با پدرانشان بسته بودم شکسته‌اند. پس چنان بلایی برایشان خواهم فرستاد که نتوانند جان سالم دربرند و هر چه التماس و تقاضای ترحم کنند، به دعایشان گوش نخواهم داد» (ارمیا، ۱۱: ۶-۱۱).

۵. خداوند پیمانی با قوم اسرائیل بسته، و به آنان گفته است: «به ایشان گفته بودم که اگر از من اطاعت کنند و هر چه بگویم انجام دهند، ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان» (ارمیا، ۱۱: ۴). اما این امر، قانون عام خداوند است. هر که از او اطاعت کند لطف و برکت او شاملش می‌شود:

قوم‌های غیریهود نیز وقتی خداوند را بپذیرند، از برکت او برخوردار خواهند شد. پس ایشان نگویند: «خداوند ما را از قوم خود نمی‌داند»... خداوند در مورد قوم‌های غیریهود که به قوم او ملحق می‌شوند و او را خدمت می‌کنند و او را دوست داشته، خدمتگزار او می‌شوند، چنین می‌گوید: «اگر حرمت روز سبت را نگاه دارند و به عهد من وفادار بمانند، ایشان را نیز به کوه مقدس خود خواهم آورد و در خانه عبادتم ایشان را شاد خواهم ساخت و قربانی‌ها و هدایای ایشان را قبول خواهم کرد. خانه من «خانه عبادت همه قوم‌ها» نامیده خواهد شد» (اشعیا، ۵۶: ۳-۷).

و البته نافرمانی قوم اسرائیل از خدا جرم سنگین‌تری است و مجازات شدیدتری را به دنبال خواهد داشت.<sup>۱</sup> بنابراین، قوم برای هدف و مأموریتی خاص برگزیده شده است. اما قانون خداوند عمومی است و هر کس از او اطاعت کند، به او مقرب می‌شود.

۶. قانون عمومی الهی این است که هر کس از او اطاعت کند برترین است و در دستگاه خداوند، مقرب‌ترین است. این سخن را انبیای دیگر هم خطاب به امت خود بیان کرده‌اند. برای نمونه حضرت عیسی (ع) خطاب به پیروانش می‌فرماید:

شما نمک جهان هستید، ولی هر گاه نمک مزه خود را از دست بدهد چگونه می توان آن را بار دیگر نمکین ساخت؟ دیگر، مصرفی ندارد، جز آن که بیرون ریخته و پایمال مردم شود. شما نور جهان هستید. نمی توان شهری را که بر کوهی بنا شده است پنهان کرد. هیچ کس چراغ روشن نمی کند تا آن را زیر سرپوش بگذارد، بلکه آن را بر چراغپایه قرار می دهد تا به تمام ساکنان خانه نور دهد. نور شما نیز باید همین طور در برابر مردم بتابد تا کارهای نیک شما را ببینند و پدر آسمانی شما را تمجید کنند (انجیل متی، ۱۳:۵-۱۶).

پس مؤمنان نمک جهان و نور جهان هستند؛ اما ارزش آنها تا زمانی است که آنان برای جهان و مردم نفع داشته باشند.

به همین مطلب در قرآن مجید نیز اشاره شده است:

«کنتم خیر امة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» (آل عمران، ۱۱۰). شما بهترین امتی هستید که برای انسانها آفریده شده اند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.

امت پیامبر بهترین امت هستند، اما علت این برتری اعمال آنان است. و معلوم است که این برتری تا زمانی است که آن اعمال برقرار باشند. و البته قوم اسرائیل هم در زمان خود تنها موحدان آن منطقه بودند و به همین معنا از دیگران برتر بوده اند. به گفته نویسنده ای یهودی بهترین بیانی که عالمان یهودی از اندیشه برگزیدگی ارائه کرده اند این است که این قوم از این جهت برگزیده است که توحید فقط در میان آنان وجود داشته و دیگران بعدها از آنان گرفته اند.<sup>۱</sup>

۷. در قرآن مجید نیز به گونه ای به برگزیدگی قوم اسرائیل اشاره شده است:

«و لقد آتینا بنی اسرائیل الكتاب والحکم والنبوة و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی العالمین» (جاثیه، ۱۶). ما به بنی اسرائیل کتاب و حکمت و نبوت را بخشیدیم و از روزی های پاکیزه به آنها عطا کردیم و آنان را بر جهانیان برتری بخشیدیم.

صاحب تفسیر المیزان در تفسیر بخش آخر این آیه «و آنان را بر جهانیان برتری بخشیدیم» می گوید که اگر مقصود از جهانیان همه جهانیان باشد، پس آنان از برخی جهات مانند کثرت انبیا و معجزات فراوان بر دیگران برتری دارند و اگر مقصود همه جهانیان عصر خودشان باشد، از همه جهات برتری داشته اند.<sup>۲</sup>

در جای دیگر آمده است: «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التي انعمت علیکم و انی فضلتکم علی العالمین» (بقره، ۴۷ و ۱۲۲). ای بنی اسرائیل یاد کنید از نعمت‌هایی که به شما عطا کردم و شما را بر جهانیان برتری دادم.

و نیز آمده است: «قال اغیر الله ابغیکم الها و هو فضلکم علی العالمین» (اعراف، ۱۴۰). [موسی] گفت آیا غیر خدا را به عنوان معبود برای شما طلب کنم، حال آن‌که خدا شما را بر جهانیان برتری داد.

این برتری دادن به این بوده است که آیات روشن را برای آنان آورده و دین حق را به آنان داده و آنان را نجات داده است.<sup>۱</sup> با توجه به آیات قبل و بعد آیات فوق، روشن است که مقصود از برتری دادن، نعمت‌هایی است که خداوند به بنی اسرائیل عطا کرده است. از آیه آخر استفاده می‌شود که از آنجا که خدا شما را برتری داده، پس باید تنها او معبود شما باشد. پس برتری دادن خداوند در راستای مأموریت و وظیفه‌ای خاص بوده است. بنابراین، برگزیدگی قوم اسرائیل در قرآن مجید هم مطرح شده است، اما هرگز مقصود از آن یک تقدس و برتری ذاتی و ماهوی نیست.

### نتیجه سخن

بنابه عهد قدیم، قوم اسرائیل، قوم برگزیده خدا است. از سوی دیگر کسانی در تاریخ یهودیت از این برگزیدگی یک برتری روحی و ماهوی را استفاده کرده‌اند. همچنین کسانی در این راه چنان افراط کرده‌اند که به نژادپرستی روی آورده‌اند. اما حق آن است که این برگزیدگی، مشروط و برای انجام مأموریتی خاص بوده است. برگزیدگی به این معنا ویژه قوم اسرائیل نیست و انبیای دیگر هم در رابطه با امت خویش همین را گفته‌اند. همچنین در تاریخ یهودیت دانشمندان بزرگی بوده‌اند که از برگزیدگی همین برداشت را داشته‌اند. به نظر می‌رسد که از کتاب تلمود هم در مجموع همین را می‌توان برداشت کرد، هر چند در این مجموعه عظیم سخنان گوناگونی آمده است که از ظاهر بعضی برتری قومی استشمام می‌شود. اما با توجه به سخنان محکمی که در نقض آن آمده، شاید نتوان به صورت قطعی چنین مطلبی را به این مجموعه نسبت داد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که نژادپرستی برداشتی خطا، و انحراف از متون مقدس یهودی است.

## کتابنامه

کتاب مقدس.

شاهاک، اسرائیل، تاریخ یهود، مذهب یهود، ترجمه مجید شریف، انتشارات چاپخش، تهران، ۱۳۷۶.

شاهاک، اسرائیل، نژادپرستی دولت اسرائیل، ترجمه امان‌الله ترجمان، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۷.

راب، ا. کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، ۱۳۵۰.

گارودی، رژه، تاریخ یک ارتداد، ترجمه مجید شریف، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۷.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱۸ و ۸، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

"CJRT" Atlan, Henri, "Chosen People" in *Contemporary Jewish Religious Thought*, NewYork, 1999.

"EJ", *Encyclopedia Judaica*, V.5, Encylopaedia Judaica Jerusalem, 1996.

"TJR" Jacobs, Louis, *The Jewish Religion, a Companion*, Oxford University Press, 1995.

Neusner, Jacob, "Judaism" in *our Religious*, Ed. Arvind Sharma, Harpersan francisco, 1993.

Unterman, Alan, *Jews, their Religious Belifs and Practices*, Routledge, London and NewYork, 1990.

"EJC", *Encyclopedia of Jewish Concepts*, Birnbaum, Philip, Hebrew Publishing Company, New York, 1995.

"BDJ", *The Blackwell Dictionary of Judaica*, Cohn - Sherbok, Dan, Blackwell, 1992.